



Theoretical analysis of laws and regulations governing victimization

Golrokh Nazari Khakshour

PhD student in Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Fehrest

PhD in Law and faculty member of South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding author)

Abstract

In this article, a legal analysis of the laws and regulations governing victimization has been conducted with the aim of providing a comprehensive and complete review of the laws and regulations, as well as the shortcomings and harms of these laws. The fundamental question is how victimization is expressed in the laws and regulations of the country and the protection law, and what are the shortcomings and limitations of these laws? Using a descriptive-analytical research method and extensive study of legal texts and judicial practice, it was concluded that in addition to the incomprehensibility and weakness of existing laws, especially in emerging crimes in cyberspace such as child modeling, some of the penalties such as paragraphs one to six of Article 10 and paragraph e of Article 9 of the Law on the Protection of Children and Adolescents, all of which are related to sexual abuse, are also inadequate. Prevention and support for child victims has weaknesses and deficiencies in areas such as enforcement guarantees, theoretical foundations, and deterrence. Therefore, it seems that after a general look at the laws and regulations in general and the collection and thematic classification of laws governing child and adolescent victims, we can conclude that the legal policy in this field is a supportive-differentiating policy. Therefore, after proving that their isolation is a form of protective isolation and that their lack of criminal responsibility is also protective in the matter of delinquency, the same policy can be proven in the same way in the matter of their victimization.

Keywords: Theoretical analysis, victimization, laws and regulations.





تحلیل نظری قوانین و مقررات ناظر بر بزه‌دیدگی

گلرخ نظری خاکشور

دانشجوی دکتری حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهرا فهرستی

دکتری حقوق و عضو هیئت علمی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

در این نوشتار، تحلیل حقوقی قوانین و مقررات ناظر بر بزه‌دیدگی، با هدف رفع بررسی جامع و کامل قوانین و مقررات و کاستی‌ها و آسیب‌های این قوانین مورد تحلیل قرار گرفته است. پرسش بنیادین آن است که بزه‌دیدگی در قوانین و مقررات کشور و قانون حمایت چگونه بیان گردیده است و نواقص و محدودیت‌های این قوانین کدامند؟ با روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با مطالعه گسترده در متون حقوقی و رویه قضایی، این نتیجه حاصل شد که علاوه بر جامع نبودن و ضعف قوانین موجود، به‌ویژه در جرائم نوظهور در فضای سایبری مانند مدلی‌نگ کودکان، همچنین بعضی از مجازات همچون بند یک تا شش ماده ۱۰ و بند ث ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که همگی مربوط به سوءاستفاده جنسی است، پیشگیری و حمایت از کودکان بزه‌دیده در حوزه‌هایی همچون ضمانت اجرایی، مبانی نظری و توان بازدارندگی دارای ضعف و نقایصی است. از همین رو به نظر می‌رسد بعد از نگاه کلی به قوانین و مقررات به‌طور عام و جمع‌آوری و طبقه‌بندی موضوعی قوانین ناظر بر کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، می‌توان به این استنتاج رسید که سیاست حقوقی در این زمینه یک سیاست حمایتی - افتراقی است، بنابراین بعد از اثبات اینکه محجوریت آنان از نوع حجر حمایتی و عدم مسئولیت کیفری برای آنان در بحث بزهکاری نیز حمایتی است، در همین راستا می‌توان همین سیاست را در مسئله بزه‌دیدگی آنان به نیز نحو اولی اثبات کرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل نظری، بزه‌دیدگی، قوانین و مقررات.

شابا الکترونیک: ۳۰۴۱-۹۹۷۲ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی



<https://Theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



مقدمه

کودکی و نوجوانی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌ها برای شکل‌گیری شخصیت هر فرد است، زیرا دوران کودکی و در ادامه آن دوران نوجوانی نقش سازنده‌ای در آینده جهت حضور در جامعه به‌عنوان فردی کامل ایفا می‌کند که بتواند زندگی اجتماعی مناسبی داشته باشد، تشکیل خانواده دهد و به‌عنوان فردی مفید در جامعه فعالیت نماید؛ اما بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان می‌تواند به‌عنوان مانعی مخرب آینده آن‌ها را تحت تأثیر منفی قرار دهد و پیشگیری از آن در قوانین حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق با ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.» همچنین در ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده به‌صورت ویژه از این گروه در قبال بعضی تعرضات حمایت شده است. در قانون مجازات در ماده ۶۱۹ مقرر شده است: هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است (نادری و سپهوند، ۱۳۹۹: ۵۸).

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز به‌صورت مبسوط به این مسئله پرداخته شده است.

بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان شامل انواع بزهکاری علیه افراد زیر ۱۸ سال است که توسط والدین یا مراقبان کودک، همسالان، همسران دوم و یا غریبه‌ها ایجاد می‌شود. براساس آمار ارائه‌شده سال گذشته در جهان، یک میلیارد نفر در سنین دو تا ۱۷ سال خشونت جسمی، جنسی، یا عاطفی را تجربه کرده‌اند (رکسون و اسپرمن، ۲۰۲۲: ۱۱).

تجربه خشونت در دوران کودکی بر سلامت و رفاه مادام‌العمر کودکان و نوجوانان تأثیر بسزایی می‌گذارد. شواهد از سراسر جهان نشان می‌دهد که خشونت علیه کودکان و نوجوانان



قابل پیشگیری است و در نتیجه هدف پایان دادن به سوءاستفاده، استثمار، قاچاق و تمام انواع خشونت و شکنجه علیه کودکان است (زرنشان و کرمی، ۱۴۰۲: ۱۱).

بیشترین بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان شامل حداقل یکی از ۶ نوع اصلی خشونت است که در مراحل مختلف رشد کودک اتفاق می‌افتد که عبارتند از:

❖ بدرفتاری: شامل خشونت جسمی، جنسی، روحی و عاطفی است و غفلت از نوزادان، کودکان و نوجوانان توسط والدین، مراقبان و دیگر افراد اغلب در خانه، مدارس و یتیم‌خانه‌ها را شامل می‌شود.

❖ تهدید: رفتار تهاجمی ناخواسته توسط یک کودک دیگر یا گروهی از کودکان است و شامل آزار جسمی، روانی یا اجتماعی است و اغلب در مدارس و گروه‌های کودکان مشاهده می‌شود.

❖ خشونت توسط بزرگسالان: خشونت توسط جوانان در میان کودکان و نوجوانان است و اغلب در محیط‌های اجتماعی بین آشنایان و غریبه‌ها رخ می‌دهد.

❖ خشونت شریک زندگی یا خشونت خانگی: شامل خشونت جسمی و عاطفی توسط همسر جدید یا همسر سابق است. هرچند مردان نیز می‌توانند قربانی خشونت شریک زندگی شوند؛ اما این رفتار بر زنان تأثیر بیشتری دارد.

❖ خشونت جنسی: شامل آزار و اذیت جنسی فردی بی‌دفاع بوده که ممکن است گرفتار قاچاق جنسی شود.

❖ خشونت عاطفی یا روانی: شامل محدودیت حرکات کودک، خشونت، تهدید و تبعیض و دیگر اشکال غیر جسمی خصمانه است (مارواستی، ۲۰۱۶: ۲۸).

البته در دهه اخیر و به‌ویژه در سه سال گذشته انواع بزهکاری علیه کودکان و به‌ویژه نوجوانان به علت گسترش فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سهولت در دسترسی به این شبکه‌ها ایجاد شده است که به‌عنوان «بزهکاری سایبری» بیان می‌شود.

واتسون (۲۰۲۲) بزهکاری سایبری را هر نوع ایجاد ترس، تهدید و آزاری عنوان کرده که می‌تواند به شکل‌های مختلف در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اتفاق بیفتد. خشونت

سایبری علیه کودکان در زمره جدی‌ترین خشونت‌هایی است که کودکان نسل جدید در معرض آن قرار دارند و تا حدود زیادی مشابه نمونه‌های زورگیری و قلدری در زندگی واقعی است. ازجمله این بزهکاری‌ها توهین و فحاشی، ارسال مطالب، عکس و فیلم‌ها نامناسب، بهره‌کشی در تبلیغات مجازی و انتشار تصاویر کودکان در فضای مجازی و سایت‌های خبری و ... است.

با توجه به موارد بیان شده در خصوص بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان، مسئله اساسی که به‌عنوان دغدغه محقق مطرح است این است که با وجود حساسیت‌های جامعه بین‌المللی و قوانین موضوعه در کشورهای مختلف و در ایران، براساس آمارهای منتشرشده بین‌المللی و همچنین آمار بزهکاری‌ها در داخل کشور علیه آنان، متأسفانه نه‌تنها این آمار روند کاهشی نداشته بلکه اشکال جدید از بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان مانند بزهکاری‌های سایبری رو به افزایش بوده و قوانین موجود به‌ویژه قوانین نظارتی و مقررات در پیشگیری، کنترل و کاهش بزهکاری‌ها ناکافی بوده‌اند و با بررسی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ در پیشگیری و حمایت از کودکان آسیب‌دیده از خشونت خانگی مشخص می‌شود در حوزه‌هایی مثل وجود قوانین ناظر بر بزه‌دیدگی، هماهنگی ساختاری، ضمانت اجرایی، مبانی نظری و تعاریف و توان بازدارنده مجازات اعلامی دارای ضعف و نقایصی بوده و حمایت‌های قانون‌گذار از اطفال بزه‌دیده در فضای مجازی نیز صرفاً در موارد معدودی چون بند ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به‌صورت اختصاصی بوده و در سایر موارد شامل قوانین کلی است. علاوه بر این روش جبران خسارت به‌خصوص در خسارت معنوی مبهم بوده و به اختیار قانون واگذار شده است. علاوه بر این، سازوکار مشخصی در خصوص مسئولیت دولت در جبران خسارت وارده به اطفال بزه‌دیده در فضای مجازی در صورت ناتوانی بزهکار تعریف نشده است. و در قوانین مصوب ۱۳۹۲ نیز ابهامات مختلفی در مسئله بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان دیده می‌شود که به نظر بررسی علمی و تحلیل حقوقی قوانین و مقررات ناظر بر بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان و مقایسه تطبیقی آن‌ها می‌تواند کمک شایانی به احصاء ابهامات، کاستی‌ها، نقایص قوانین نماید تا بتوان براساس نتایج آن



برنامه‌ریزی مدون و مناسبی جهت اصلاح، بازنگری و تدوین قوانین حقوقی و مقررات ناظر در این زمینه به جهت مقابله بزهکاری علیه کودکان و نوجوانان و کاهش آن و چه‌بسا پیشگیری کامل از وقوع این نوع بزهکاری‌ها انجام داد. از همین رو در این تحقیق مسئله اصلی این چنین مطرح است که تحلیل حقوقی قوانین و مقررات ناظر بر بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان چگونه است؟

۱. روش پژوهش

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. با توجه به روش تحقیق، اطلاعات مورد نیاز تحقیق با مراجعه به منابع علمی شامل کتب، مجله‌ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها، اسناد و نشریات حقوقی همچنین پایگاه‌های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر و پایان‌نامه‌ها گردآوری شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار فیش و تکنیک فیش‌برداری استفاده شده است. در مرحله فیش‌برداری از تکنیک مأخذگذاری به روش علمی و مستندسازی استفاده گردیده است. با توجه به نوع تحقیق و روش آن، جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق به وسیله اسناد و مدارک دست اول با فیش‌برداری و بهره‌گیری از درگاه‌های اینترنتی معتبر بوده است.

همچنین با توجه به اینکه نوع روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی است، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل موجود پرداخته و از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری و پیشینه تحقیق و دسته‌بندی و مقوله‌بندی اطلاعات و با توجه به اطلاعات گردآوری شده به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. بزه

تعریف لغوی: بزه در لغت به معنای ثم، خطا، خطیئه، ذنب، گناه، معصیت، تقصیر، جرم، جنایت، حیف، جور، ستم است (فرهنگ لغت دهخدا، ۱۳۸۴). همچنین در فرهنگ لغت

معین به معنای گناه و خطا، جرم، اثم، خطا، خطیئه، ذنب، گناه، معصیت آمده است (معین، لغتنامه، ۱۳۹۰: ۵۷).

تعریف اصطلاحی: در معنای اصطلاحی بزه جرم، گناه، گناهان خرد و کوچک، کسی که رفتاری نامتعارف در جامعه دارد که موجب آسیب‌رساندن به آن می‌شود. گرچه در واژه‌نامه‌ها، واژه بزه به معنای عام گناه و بزهکاری به معنای گناهکاری آمده، ولی در معنای کنونی و تا اندازه‌ای حقوقی آن به معنای گناهان کوچک، جیب‌بری و مانند آن به کار می‌رود. از همین رو، دزدی‌های بزرگ و رشوه‌خواری را دیگر نمی‌توان تنها یک گناه کوچک (بزهکاری) وانمود (بزرگمهر، اندرزنامه، ۱۳۶۳: ۷۸).

تعریف حقوقی: فعل یا ترک فعل خلاف قانونی که جرم‌انگاری شده، جرم یا بزه است. جرم یا بزه دارای یکی از مجازات دیه، تعزیرات، قصاص و حدود است (کاتوزیان، فلسفه حقوق، ۱۳۹۲: ۱۲).

۲-۲. کودک

تعریف لغوی: فرزندی که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر). طفل. ج، کودکان (فرهنگ فارسی معین). ولید. صبی (ترجمان القرآن). طفل، بچه، ولید صبی (پسر). صبیبه (دختر) (دهخدا، لغتنامه، ۱۳۸۴). همچنین در فرهنگ عمید به معنای کودک یا بچه به انسان خردسال (دختر و پسر) گفته می‌شود. برابر دیگر کودک در زبان فارسی واژه بچه است. واژه کودک از ریشه واژه پهلوی کودک به معنای کوتاه و با واژه‌های کوتاه و کوچک هم‌خانواده است. این واژه به بزرگ نشدن و سادگی و پاکی نیز اشاره دارد (عمید، فرهنگ لغت، ۱۳۹۶: ۷۷).

تعریف اصطلاحی: کودک یا بچه به انسان خردسال (دختر و پسر) گفته می‌شود. آن‌گونه که در ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک سازمان ملل متحد اشاره شده است: «کودک به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد گفته می‌شود؛ مگر اینکه مطابق قانون حاکم بر آن شخص، سن کمتری برای رشد او مقرر شده باشد» (امامی، حقوق مدنی، ۱۳۹۵: ۱۱۸).



تعریف حقوقی: کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) یک کودک را به عنوان فردی که به سن هجده سال نرسیده است تعریف می کند. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، داشتن وسیله شخصی (بعد از ۱۰ سالگی مخصوصاً کامپیوتر و موبایل) مراقبت های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب براساس سن و رشد کودک، اعتماد، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض براساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشأ ملی، مذهب، معلولیت، رنگ، قومیت یا سایر ویژگی ها. تفسیر حقوق کودکان طیفی از اجازه دادن به ظرفیت کودکان برای داشتن اختیار عمل تا اعمال نظر فیزیکی، روانی و احساسی بدون هیچ گونه بدرفتاری با کودکان را در برمی گیرد. هرچند که آنچه شامل بدرفتاری می شود باید در رابطه با آن بحث شود. از نظر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، کودک به کلیه افراد انسانی زیر ۱۸ سال گفته می شود مگر آنکه سن کودک طبق قانون داخلی کمتر از آن تعریف شده باشد (آذربندار، حقوق کودک، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

در ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ کودک به هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است اطلاق می شود (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ماده ۱).

۲-۳. نوجوان

تعریف لغوی: پسری که تازه پا به مرحله جوانی گذاشته (دهخدا، لغتنامه، ۱۳۸۴): همچنین در فرهنگ معین به معنای شاب. حدیث السن. حدث السن آمده است (معین، لغتنامه، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

تعریف اصطلاحی: نوجوانی مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی روی می دهد. این گذار، تغییرات زیستی (بلوغ جنسی)، اجتماعی، و روان شناختی را در برمی گیرد، هرچند که از میان این ها تنها تغییرات زیستی و روان شناختی را می توان به آسانی

اندازه‌گیری کرد. نوجوانی معمولاً بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی تعریف شده است (هالد، فیلد، روان‌شناسی کودک و بالغ، ۲۰۱۹: ۸).

تعریف حقوقی: در ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نوجوان به هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است اطلاق می‌شود (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ماده ۱).

۳. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۳

در ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به‌طورکلی این‌چنین آمده است: موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود:

الف. بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی

و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛

ب. ابتلای هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری،

روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص

پزشکی قانونی؛

پ. زندانی شدن هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی؛

ت. ابتلای هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد

مخدر و روان‌گردان یا قمار؛

ث. قوادی و یا دائر یا اداره‌کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیا یا

سرپرستان قانونی و یا اشتها آن‌ها به فساد اخلاق و فحشا؛

ج. خشونت مستمر والدین، اولیا، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به

یکدیگر؛



چ. عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛

ح. بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛

خ. طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛

د. کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛

ذ. نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، وارد شدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روان‌گردان یا مشروبات الکلی؛

ر. هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی؛

ز. فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛

ژ. سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او.

همچنین در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۳ موارد مربوط به بزه‌دیدگی و جرائم مرتبط با آن علیه کودکان و نوجوانان در ماده ۷، ماده ۸، ماده ۹، ماده ۱۰، ماده ۱۱، ماده ۱۲، ماده ۱۳، ماده ۱۴، ماده ۱۵، ماده ۱۶، ماده ۱۷، ماده ۱۸، ماده ۱۹، ماده ۲۰، ماده ۲۱، ماده ۲۲، ماده ۲۳، ماده ۲۴، ماده ۲۵، ماده ۲۶ و ماده ۲۷ بیان شده است.

۴. جلوه‌های حمایت از اطفال بزه‌دیده جرائم خانوادگی در قوانین ایران

اصولاً جرم در همه کشورهای جهان مذموم بوده و مورد نکوهش قانون‌گذاران قرار گرفته است؛ اما گاه عرف‌های ریشه‌دار جامعه، بدرفتاری و توهین والدین یا دیگر اعضای خانواده نسبت به کودک را قبیح نمی‌شمردند. با این اوصاف وجود قوانین الزام‌آور، هم‌سو با فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند تا حدودی وضعیت کودکان را بهبود بخشد. تعدادی از دولت‌ها

قوانینی را با موضوع جرائم و خشونت علیه کودکان در خانواده به تصویب رسانده‌اند؛ اما در مجموعه قوانین اغلب کشورها مشخصاً نامی از جرائم خانوادگی به چشم نمی‌خورد و این به آن معنی است که برای حمایت از کودکان ناگزیر باید به مفاد قوانین عام که هرگز در صدد حمایت خاص از کودکان نیستند توسل جست. اشکال استناد به قوانین عام در حوزه جرائم خانوادگی، نادیده گرفتن این واقعیت است که جرائم علیه کودکان در خانواده بین کسانی رخ می‌دهد که وابستگی‌های عاطفی و مالی آن‌ها را به شدت به هم پیوند می‌دهد، بنابراین قوانین ماهوی خاص، جبران خسارت ویژه، فرایند رسیدگی جداگانه و جبران خسارت مدنی باید مورد توجه قرار گیرد. اصولاً موافقان جرم‌انگاری جرائم خانوادگی علیه کودکان معتقدند، به ورود قانون به این حوزه باید با دید وسیله‌ای حمایتی برای کودک نگریست، چراکه برگزاری یک دادرسی جنایی برای موضوع آزار کودکان در خانواده، حاوی این پیام مهم برای جامعه است که چنین قربانی مستحق برخورداری از حمایت رسمی دولت است، همچنین تعقیب کیفری مرتکب، به بزه‌دیده این تصویر ذهنی را می‌دهد که از نظر قانون‌گذار پیش از آنکه حفظ رابطه او با فرد مجرم مطرح باشد، تأمین نیازهای شخصی و قربانی شدن وی در خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد. واکنش نظام عدالت کیفری به جرائم خانوادگی نشان می‌دهد وقوع جرم و خشونت بین نزدیکان و بین غریبه‌ها دارای قبح یکسانی است (موسوی، ۱۴۰۲: ۱۲).

۵. نگاه تطبیقی به قوانین حمایت از کودکان در حقوق ایران و سایر کشورها

حقوق کیفری به‌عنوان منعکس‌کننده ارزش‌های بنیادین حاکم بر جامعه، افزون بر نقش آموزشی و فرهنگی که در تقبیح برخی رفتارها دارد به‌عنوان عاملی بازدارنده و پیشگیرانه در برابر ارتکاب برخی رفتارها به ایفای نقش می‌پردازند. غالب حمایت‌های مقنن از کودک بزه‌دیده به‌صورت حمایت‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی جلوه‌گر شده است. قانون‌گذاران کیفری در چهارچوب قوانین کیفری عام خود مواردی را به عناوین مجرمانه راجع به حمایت از کودکان اختصاص داده‌اند. در این شیوه، غالباً فصلی تحت عنوان جرائم علیه کودکان مقرر می‌شود و مواد راجع به جرم انگاری افتراقی رفتارهای ناقض حقوق



کودکان را در ذیل آن بیان می‌کند. به‌عنوان مثال قانون‌گذار فرانسوی در قانون مجازات عمومی فرانسه در کتاب دوم خود با عنوان جنایت و جنحه‌ها علیه اشخاص ذیل عنوان دوم با عنوان تعرض به شخص انسانی فصل هفتم خود را به «تعرض به کودکان و نوجوانان و خانواده» اختصاص داده است. قانون مجازات عمومی آلمان ذیل فصل سیزدهم خود تحت عنوان جرائم علیه وضعیت فردی، ازدواج و خانواده به جرم انگاری برخی از رفتارهای ناقض حقوق کودکان مبادرت کرده است (قانون کیفری آلمان، ۱۳۸۵: ۱۲).

قانون‌گذار کیفری چین در ذیل فصل چهارم خود با عنوان «جرائم ضد حقوق شهروندی و حقوق دموکراتیک افراد» موادی چند را به جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حقوق اطفال اختصاص داده است، که البته در سایر فصول نیز به‌صورت پراکنده این سیاست را دنبال کرده است (قانون جزای جمهوری خلق چین، ۱۳۸۶: ۶۲).

قانون مجازات اسلامی ایران فصل هفدهم کتاب پنجم خود را به جرائم علیه اشخاص و اطفال اختصاص داده است که این فصل نه‌تنها از جامعیت برخوردار نیست بلکه قانون‌گذار کیفری ایران، جرم‌انگاری برخی رفتارها را در سایر فصول ذکر کرده است.

در راهکار نسبتاً جدید جرائم علیه کودکان در قالب یک قانون خاص آورده می‌شود، این قوانین خاص تحت عناوینی مانند «قانون حمایت از کودکان» و «قانون حقوق کودک» تصویب شده‌اند. در این زمینه می‌توان به قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵ جمهوری تونس اشاره کرد. قانون درمان و پیشگیری از کودک‌آزاری آمریکا مصوب ۱۹۷۲ و اصلاحی ۱۹۹۶ در عین تعریف کودک‌آزاری تدابیر کیفری و غیر کیفری مقابله با آنرا پیش‌بینی کرده است.

قانون کودکان انگلستان مصوب ۱۹۸۹ نیز از چنین رویکردی تبعیت کرده است. قانون حمایت از کودک کانادا مصوب ۸ نوامبر ۲۰۰۵ قانون حقوق کودک فیلیپین و قانون کودک میانمار مصوب ۲۰۰۱ و بالاخره قانون حمایت از کودک نروژ مصوب ۱۹۹۲ در راستای چنین رویکردی تدوین و تصویب شده‌اند. قانون‌گذار ایران در ۲۵ آذر ۸۱ به دنبال اتخاذ چنین رویکردی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رساند. این قانون هرچند مورد انتقاد است، اما تصویب آن حداقل از لحاظ نمادین تحولی بزرگ در زمینه تقویت رویکرد

افتراقی به حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه‌دیدگی است (صبوری پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۵).

۶. نارسایی و حمایت قانونی از کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزه‌دیدگی

خطر در مفهوم عام عبارت از وضعیتی است که در آن احتمال انحراف از نتایج مطلوب که مورد انتظار یا مورد امید است وجود دارد. بر مبنای این تعریف عبارت «در معرض خطر» بودن در جرم‌شناسی، برای تشریح وضعیت اطفال و نوجوانانی به کار گرفته می‌شود که به دلیل اختلال‌ها و چالش‌های موجود در روند رشد خود توانشان برای تبدیل شدن به بزرگسالانی مسئول و سازنده تقلیل یافته و رفتارشان بیانگر وضعیتی است که گرایش آن‌ها را به ارتکاب جرم محتمل می‌سازد. بعد دیگر اصطلاح «در معرض خطر» بودن، بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان را در برمی‌گیرد، به‌طورکلی کودکان به‌آسانی از بزه دیدگان بالقوه به بزه‌دیدگان بالفعل تبدیل می‌شوند.

کودکانی نظیر کودکان خیابانی، کودکان معارض با قانون، اقلیت‌ها، کودکانی که دارای حالت خطرناک هستند یا به‌طورکلی به لحاظ شرایط زندگی و آسیب‌پذیری آن‌ها کودکان در معرض خطر نامیده می‌شوند (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۸: ۵۸).

ماده ۳ قانون حمایت وضعیت‌های مخاطره‌آمیز را این‌گونه تعریف می‌کند: «موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود:

الف. بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی

و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛

ب. ابتلای هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری،

روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص

پزشکی قانونی؛



پ. زندانی شدن هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی و ...»

یکی از مهم‌ترین مسائلی که زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتکاب جرم به دست والد یا والدین و به دنبال آن زندانی شدن آن‌ها است که باعث ایجاد تجربه متفاوتی در زندگی کودک شده و احتمالاً با تجربه زیسته کودکان دیگر متفاوت است و زندگی آتی آن‌ها را با خطرهای فراوانی مواجه می‌سازد.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که زندانی شدن والدین اثراتی مشابه با طلاق، فقر و زندگی در محله‌های جرم خیز بر کودکان می‌گذارد و آنان را در معرض استعمال زودرس الکل و مواد مخدر، پرخاشگری، افت تحصیلی و بزهکاری قرار می‌دهد. این اثرات آن اندازه شدید است که آن‌ها را «قربانیان فراموش شده جرم» نامیده‌اند.

از آنجاکه حمایت اجتماعی از فرزندان دارای والد زندانی بسیار پایین است، گسترش خدمات فرهنگی و اجتماعی سازمان‌های اجتماعی و رفاهی و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای ایجاد نگرشی صحیح در شهروندان و اطرافیان خانواده‌های زندانیان در این موارد ضروری است. به همین دلیل است که بند پ ماده ۳ قانون حمایت «زندانی شدن هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی» را وضعیت مخاطره‌آمیز دانسته و به همین جهت مداخله مددکاران اجتماعی و سایر نهادهای حمایتی را ضروری دانسته است.

از سویی دیگر، از جهت ارائه الگوهای نامناسب، اعتیاد والدین و مصرف مواد مخدر در پیش چشم کودکان و یا اعتیاد برادر و خواهر و اقوام نزدیک، از مهم‌ترین عوامل گرایش اطفال و نوجوانان به استعمال مواد مخدر به شمار می‌رود.

در بُعد کنترلی نیز عدم نظارت والدین بر روابط فرزندان نقش مهمی در گرایش نوجوانان به مواد مخدر دارد؛ از همین رو بند ت ماده ۳ قانون حمایت از جمله موقعیت‌های مخاطره‌آمیز که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار می‌دهد «ابتلای هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روان‌گردان یا قمار» دانسته است.

یکی دیگر از عوامل خطر بزه‌دیدگی، جلوگیری از تحصیل یا زمینه‌سازی برای ترک تحصیل است. کودک موجودی است که در آغاز مسیر رشد خود قرار دارد و رشد شخصیت و پرورش استعداد های جسمی و ذهنی او نیازمند تعلیم و تربیت است. از همین رو برخورداری از حق آموزش از حقوق اساسی کودکان در مسیر رشد تلقی شده و دولت‌ها در اسناد بین‌المللی آن را به رسمیت شناخته‌اند.

بند چ ماده ۶ قانون حمایت از جمله وظایف وزارت آموزش و پرورش را اعلام موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل کودک و نوجوان دانسته و مقرر داشته: «وزارت آموزش و پرورش مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. اعلام موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه حسب مورد جهت انجام اقدامات لازم؛

۲. شناسایی، راهنمایی و معرفی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون به نهادهای حمایتی و قضایی جهت انجام اقدامات حمایتی لازم و ...»

افزون بر این، مواد ۷ و ۸ قانون حمایت مجازاتی را برای والدین، سرپرستان قانونی و به‌صورت کلی هر فردی که زمینه ترک تحصیل کودک یا نوجوان را فراهم نماید، تعیین نموده است. بدین ترتیب قانون حمایت در زمینه حق تحصیل کودکان و نوجوانان و عدم ایجاد مانع برای برخورداری از این حق، حمایت‌های قانونی و ضمانت اجرای مناسبی بیان نموده است. این امر منجر می‌گردد که افزون بر شناسایی کودکان و نوجوانان مشکوک به ترک تحصیل و حمایت از آنها، پوشش تحصیلی مناسبی برای این کودکان فراهم گردد و نیز به واسطه وضع مجازات، از بروز دوباره این قسم از کودک آزاری جلوگیری به عمل آید (مهدوی، ۱۴۰۰: ۲).



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از ارکان مهم پدیده‌های جنایی را بزه‌دیده تشکیل می‌دهد. اگرچه تا مدت‌ها جایگاه واقعی بزه‌دیده و حقّ او در فرایند کیفری در حاشیه نگاه داشته شده بود، اکنون ظهور جنبش‌های بزه‌دیده‌شناسی در دهه‌های اخیر و تأثیرگذاری آنان در کاهش جرائم موجب شد که جرم‌شناسان به چشم‌اندازی جدید با عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان» توجّه کنند. تاریخ پیدایش بزه‌دیده‌شناسی به سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد، سالی که کتاب «مجرم و بزه‌دیده» اثر «هانس فون هنتیک» نگاشته شد. «فون هانتیک» کسی بود که بر تعامل و رابطه موجود میان بزه‌دیده با بزه‌کار و نظام عدالت کیفری متمرکز شد تا به شناختی درست از پدیده مجرمانه دست یابد (فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ۲۰۲۱: ۲۹).

ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان و گسترش مبانی مستحکم و ارزشی این اندیشه نوین، سازمان‌های بین‌المللی را وادار کرد که در اندک زمانی طرح حمایت از بزه‌دیدگان جرائم را در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی به تصویب رسانند و دولت‌های عضو را ملزم به اجرای آن‌ها کنند؛ ازجمله آن‌ها می‌توان به «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان موضوع قطعنامه ۴۰/۳۴ مصوّب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد، مشهور به اعلامیه ۱۹۸۵» و بخشی از «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» اشاره کرد. ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان جرم و نقش آن در تحقق عدالت اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. در این میان بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط سنی آن‌ها و حساسیت‌های جامعه بر روی آنان بسیار مسئله‌ای مهم و اساسی بوده و قوانین و مقررات ناظر بر بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان باید توانایی اجرای عدالت و در نظر گرفتن وضعیت افراد در این سنین را داشته باشند.

قانون آیین دادرسی کیفری ایران با به رسمیت شناختن جایگاه بزه‌دیده در فرایند تحقیقات کیفری به موجب ماده ۱۰ خود در مقام تعریف وی برآمده و او را شخصی متضرر از وقوع جرم دانسته است. بر این پایه و در مسیر توجّه به اصول قانون اساسی و اجرایی کردن مفاد آن، معیارهایی را در راستای تضمین حقوق بزه‌دیده مقرر داشته است؛ این‌ها موضوعاتی است که قانون‌گذار در مرحله تحقیقات مقدماتی بدان توجّه نموده است.

همچنین به رغم اهمیت بنیادین خانواده به عنوان رکن اساسی اجتماع و جایگاه طبیعی رشد و شکوفایی شخصیت کودکان که به درستی مورد تأکید ادیان و نیز اسناد بین‌المللی است، جرائم خانگی علیه کودکان در سراسر جهان واقعیتی انکارناپذیر است که علل مختلفی از جمله ناآگاهی والدین از فرزندپروری، مشکلات اقتصادی، مشکلات خاص خانوادگی، اعتیاد و بیماری‌های روانی والدین و ... باعث ایجاد جرائم علیه کودکان در محیط خانواده می‌شوند.

بررسی سیر تاریخی تقنینی حمایت از اطفال در حقوق ایران مؤید این است که در سال‌های متمادی، با توجه به نیازی که احساس می‌شده، کم‌وبیش مقرراتی پراکنده در جهت حمایت از کودکان در برابر جرائم خانوادگی به‌ویژه در قبال ترک فعل‌های والدین نسبت به اطفال مثل عدم اعلام واقعه ولادت اطفال، بازداشتن اطفال از آموزش و تحصیل و یا سلب حضانت طفل در مواردی که در معرض خطر است و ... وضع گردیده است و اطفال بزه‌دیده، در مقابل ارتکاب جرائم خاص علیه آن‌ها (توسط والدین) هر روز بیش‌ازپیش مورد حمایت قرار گرفته‌اند و سرانجام در آذرماه سال ۱۳۸۱ نیز تحت تأثیر یافته‌های روان‌شناختی، جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی در راستای حمایت از کودکان و کاهش و پیشگیری از کودک آزاری، قانونی با عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون هرچند دارای نواقص و ابهاماتی است؛ اما از جهت اینکه برای اولین بار اصطلاح «کودک آزاری» را وارد ادبیات حقوق کیفری ایران کرد و برای اولین بار به تعریف آن و ذکر مصادیق اقدام نمودند، بسیار حائز اهمیت است و می‌توان گفت نقطه عطفی در حقوق کودک است. از طرف دیگر اولاً، ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در قبال این جرائم، وجود رابطه نزدیک فی‌مابین شخص خشونت‌گر و کودک را نادیده گرفته و از این لحاظ امنیت کودک بزه‌دیده را به خطر می‌اندازد. ثانیاً، قوانین متناقض دیگری وجود دارند که برای تربیت و ایجاد نظم، تنبیه بدنی کودک را مجاز و ولایت قهری را محق می‌شمارد (ماده ۱۱۷۹ قانونی مدنی و مواد ۵۹ و ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی). به‌طورکلی می‌توان اذعان داشت در مجموعه قوانین ایران مشخصاً نامی از خشونت خانوادگی وجود ندارد؛ بنابراین



در موارد آزار کودکان در خانه ناگزیر می‌بایست به مواد اعم متفرقه‌ای مانند ضرب و جرح و توهین متوسل شد که هرگز در صدد حمایت خاص از اطفال بزه‌دیده خشونت خانوادگی نیستند.

در نهایت می‌توان گفت براساس حقوق موضوعه کشور بزهکارهای علیه کودکان و نوجوانان مطابق با ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده جرم بوده و برای آن مجازات تعیین شده است و در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۲ در پیشگیری و حمایت از کودکان آسیب‌دیده از خشونت خانگی، در حوزه‌هایی مثل هماهنگی ساختاری، ضمانت اجرایی، مبانی نظری و تعاریف و توان بازدارنده مجازات اعلامی دارای ضعف و نقایصی بوده و حمایت‌های قانون‌گذار از اطفال بزه‌دیده در فضای مجازی نیز صرفاً در موارد معدودی چون بند ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به صورت اختصاصی بوده و در سایر موارد شامل قوانین کلی است و روش جبران خسارت به خصوص در خسارت معنوی مبهم بوده و به اختیار قانون و اگذار شده و سازوکار مشخصی در خصوص مسئولیت دولت در جبران خسارت وارده به اطفال بزه‌دیده در فضای مجازی در صورت ناتوانی بزهکار تعریف نشده است. همچنین مهم‌ترین قوانین حقوقی در رابطه با بزهکاری کودکان و نوجوانان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که بازنگری آن با توجه به شرایط جدید جامعه لازم و ضروری است.

پیشنهاد پژوهش

با توجه به گذشت بیش از ۱۲ سال از قوانین کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و همچنین بیش از ۴ سال از قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان، پیشنهاد می‌شود بازنگری جدی با توجه به مقتضیات زمانی و شرایط کنونی به‌ویژه در حوزه فضای مجازی و شکل‌گیری برخی از بزهکاری‌ها و خشونت‌های جدید علیه کودکان و نوجوانان در قوانین و مقررات مربوطه توسط دستگاه قضایی صورت پذیرد.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. ج ۲، چ ۳۲، تهران: نشر میزان.
- پتفت، آرین (۱۳۹۹). *حمایت از کودکان در برابر خشونت در بافتار اسناد بین‌المللی*، فصلنامه حقوق کوک، دوره ۲، شماره ۸.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۷). *درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی*، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱۰.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۹). *پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان*، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۷.
- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۱). *بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان از برخی ایرادهای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان*، نخستین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب‌های اجتماعی، تهران.
- سیفی، آناهیتا (۱۴۰۰). *کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی*، دوفصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۲.
- سید اصفهانی، سید حسام‌الدین (۱۴۰۲). *مطالعه تطبیقی عوامل تشدیدکننده مجازات در جرائم جنسی علیه کودکان و نوجوانان در حقوق کیفری ایران، فرانسه و کانادا*، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، شماره ۲۵.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوان مصوب ۱۳۹۹، پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
- نادری، قائم؛ سپهوند، اکبر (۱۳۹۹). *حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران*، دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، تهران.
- مهدوی، محمود (۱۴۰۰). *پیشگیری از جرم*، تهران: انتشارات سمت.
- موسوی، سیدجمال؛ روحانی مقدم، محمد (۱۴۰۰). *حمایت از اطفال بزه‌دیده فضای سایبری با تأکید بر نحوه جبران خسارت*، فصلنامه فقه جزای تطبیقی دوره ۲، شماره ۲.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۷). *سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران*، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۲.
- نوری، سیدمسعود (۱۳۹۳). *خشونت خانگی علیه کودکان*، فصلنامه حقوق بشر، شماره ۲.



References

- Marvasti, J. A. (2018), Child Suffering In The World: Child Maltreatment By Parents, Culture And Governments In Different Countries And Cultures, Manchester, Sexual Tranma Center Publication.
- Sandy Ruxton, Mieke, Schuurman, (2022).” Challenges To Children’s Rights Today: What Do Children Think?.» A Desktop Study On Children’s Views And Priorities To Inform The Next Council Of Europe Strategy For The Rights Of The Child, <https://rm.coe.int>.

